

ایران و مشکل روشنفکرانها

Hossein Javadi

Independent researcher and founder of CPH theory, Tehran, Iran

Javadi_hossein@hotmail.com

هفدهم دی ۱۳۹۷

January 7, 2019



<https://pbs.twimg.com/media/C38S1pQVcAMLODY.jpg>

ایران و مشکل روشنفکرانها

چکیده:

در مورد مفهوم و وظیفه جریان روشنفکری در ایران تعریف و نظریه‌های مختلفی وجود دارد. یکی از رایج‌ترین نظریه‌ها، مبدأ پیدایش جریان روشنفکری در ایران را دوران قاجار و بعد از شکست ایران از روسیه و اعزام دانشجو توسط عباس میرزا به اروپا می‌دانند که به تدریج روحیه اصلاح‌گری و گرایش روشنفکری در بخش بسیار کوچکی از جامعه به‌ویژه در دربار شکل گرفت. امیرکبیر را می‌توان نماینده این گروه کوچک دانست که سرانجامی شوم داشت. بعد از امیرکبیر جریان روشنفکری در ایران از نظر کمی و کیفی رشد کرد و به انقلاب مشروطه انجامید. با پیروزی مشروطه خواهان و نفوذ روشنفکران در بخش تأثیرگذار جامعه، عده‌ای با ظاهر و گفتار روشنفکرانه تلاش می‌کردند سهمی از توجه جامعه را به‌خود اختصاص دهند. این گروه دانسته و هدفمند یا نادانسته و تنها برای جلب توجه و خودنمایی باعث کند شدن جریان روشنفکری یا انحراف آن می‌شدند که هنوز هم ادامه دارد. اگر روشنفکری را نوعی خردورزی بدانیم که در طول تاریخ کم و بیش در ایران وجود داشته و در دو قرن اخیر به دلیل تماس با غرب و آشنایی با اندیشه‌های جدید متحول شده، آنگاه قابل پذیرش است که روشنفکر و روشنفکران همواره در طول تاریخ وجود داشته و هنوز هم وجود دارد و یکی از ریشه‌های مشکلات جامعه ایرانی همین روشنفکرانها هستند که در این نوشته مورد بحث قرار گرفته است.

کلیدواژه: روشنفکر، خردورزی، روشنفکران، مشکلات، امیرکبیر، چاپلوسی

کارکرد روشنفکر

بعد از جنگ ایران و روس و قراردادهای گلستان و ترکمنچای، ایرانیان شوکه و سخت آزرده خاطر شدند. به همین دلیل گرایش روشنفکری در دوره قاجار نخستین حرکت‌های خردمندان در دو قرن گذشته برای افزایش توان ملی ایران در تمام زمینه‌های فرهنگی، اجتماعی، اقتصادی، حقوقی و نظامی کشور بود. ورود صنعت چاپ به ایران و اعزام دانشجو به غرب و تأسیس دارالفنون زمینه‌ی رشد جریان روشنفکری را فراهم کرد. بدین ترتیب روشنفکران مشکلات جامعه را ریشه‌یابی و از عمق به سطح می‌آوردند و برای آنها راه حل ارائه می‌دادند. به‌طور کلی مشکلات کشور را در هر زمان می‌توان به سه دسته تقسیم کرد:

- ۱- **مشکلات آشکار:** مشکلاتی که تقریباً همه با آنها آشنا هستند، مانند بیکاری، فقر، قانون‌گریزی، ارتشا و امثال آنها.
- ۲- **مشکلات نیمه پنهان:** مشکلات قابل پیش‌بینی در برنامه‌های ارائه شده یا در دست اجرا توسط دولت که مدتی بعد از اجرا آشکار و همه از آنها مطلع خواهند شد. همچنین روابط ناسالم اقتصادی، حقوقی و اجتماعی که

ایران و مشکل روشنفکرانها

در رسانه‌های جمعی منتشر نمی‌شود و توسط کارشناسان مورد بحث و تجزیه و تحلیل قرار نمی‌گیرد ولی وقتی که به بحران تبدیل شد، مسئولان به فکر چاره جویی می‌افتند.

۳- **مشکلات پنهان:** مشکلاتی که از گذشته وجود داشته و ریشه تاریخی دارند ولی در گذشته تأثیر قابل توجهی در جامعه نداشتند یا از حمایت فرهنگی برخوردار بودند و مشکل محسوب نمی‌شدند. اما امروزه به دلیل تحولات اقتصادی و اجتماعی و گسترش علم و فناوری در تمام سطوح جامعه، بافت قدیم فرهنگی کارایی گذشته را ندارد. یا مشکلاتی که ریشه‌ی آنها برای عموم آشکار نیست. در این مورد می‌توان لیست بلند بالایی ارائه کرد. اما تمرکز این نوشته روی سه مورد خودمختوری، تبعیض و چاپلوسی است.

با دسته‌بندی مشکلات در موقعیتی هستیم که روشنفکر و روشنفکران را مورد بحث قرار دهیم. تعریف دقیق روشنفکر اگر ممکن باشد، حداقل بسیار دشوار و از حوصله‌ی این نوشته کوتاه خارج است. بنابراین ترجیح می‌دهم به جای تعریف روشنفکر و روشنفکران، کارکرد آنها را در رابطه با جامعه توضیح دهم. از طرف دیگر این کارکرد باید در رابطه با موقعیت جامعه در سطح جهانی تبیین گردد، زیرا ایران (مانند سایر کشورها) دائماً در حال داد و ستد مادی و معنوی با سایر کشورها است و میزان داد و ستدها بر توان عمومی استوار است و توان حکومت نیز متأثر از توان عمومی است. بنابراین کارکرد روشنفکر را می‌توان با تأثیری که در افزایش توان عمومی جامعه دارد سنجید. یک جامعه توانمند از افراد توانا ساخته می‌شود، برای بالابردن توان عمومی باید از افراد شروع کرد. برای توانمندسازی افراد، باید حس اعتماد به نفس آنان بالا رود. در این جهت نخستین کارکرد روشنفکر آشکارسازی مشکلات نیمه پنهان است و پس از آن ارائه راه حل برای حل مشکلات و بحث و تبادل نظر در مورد کارایی راه حل‌ها است. با ارائه‌ی راه حل‌ها، افراد، هر یک به اندازه توان فکری و جسمی و متأثر از منافع شخصی خود جهت گیری می‌کنند، اعتماد به نفس آنان تقویت می‌شود زیرا به جای بازخوانی و بازگویی مکرر مشکلات و احساس ضعف و ناتوانی، به راه حل‌ها فکر می‌کنند و مسئولین نیز نمی‌توانند مشکلات را نادیده بگیرند. در نتیجه امید و تلاش در جامعه رونق می‌گیرد و توان فردی و جمعی افزایش می‌یابد. در این صورت دولت‌ها نمی‌توانند مشکلات نیمه پنهان را همچنان از دید و فکر مردم پنهان نگاه دارند و مشکلات امروزی به بحران فردا تبدیل نمی‌شود.

ریشه‌ی تاریخی مشکلات

نگارش و مطالعه تاریخ نقش مهمی برای تصمیم‌سازی‌های آتی دارد. اما تاریخ به تاریخ سیاسی محدود نمی‌شود و مطالعه تاریخ اقتصادی، اجتماعی، هنر، تجارت، صنعت و .. هر کدام از اهمیت خاص خود برخوردار است. در دنیای امروز تجارت خارجی که معمولاً با ارزهای معتبر جهانی انجام می‌شود، نرخ برابری ارزها تأثیر انکارناپذیری در وضع اقتصادی مردم دارد. یکی از مهمترین مشکلات امروزی کشور نرخ برابری ارز است که توان ملی را در داد و ستد

ایران و مشکل روشنفکرانها

خارجی شدیداً تضعیف کرده است. یکصد و بیست سال پیش (در زمان مظفرالدین شاه) ارزش دلار برابر یک تومان و در سال ۱۳۵۷ برابر هفت تومان بود، به عبارت دیگر در مدت هشتاد سال ارزش دلار نسبت به تومان هفت برابر شد (۱). در سال ۱۳۵۷ از زمان روی کار آمدن دولت آقای مهندس بازرگان تا امروز قیمت دلار چند نرخی است. قیمت رسمی دلار تا سال ۱۳۷۰ تقریباً هفت تومان بود، در حالی که قیمت بازار آزاد به ۱۴۲ تومان رسید، یعنی در مدت ۱۲ سال بیست برابر شد (۲). اگر ملاک قیمت دلار را نرخ بازار آزاد در نظر بگیریم، در چهل سال گذشته تقریباً دوهزار برابر شده است. این در حالی است که به نظر کارشناسان "در واقع ارز ارزان دوره موسوی منشا مصرف ارزان نشد، اما ارز گران با ابعاد تغییر قیمتی وحشتناک تحولات مصرفی جامعه را رقم زد" (۳). علاوه بر اختلاف فاحش بین نرخ رسمی و آزاد ارز که تقریباً بخش تولید کشور را تضعیف کرد، لغو بهره وام‌های بانکی به پیشنهاد آقای دکتر بنی صدر در سال ۱۳۵۸ به تصویب شورای عالی انقلاب رسید که تنها با ملی شدن بانکها قابل اجرا بود و فساد گسترده در بانکها شکل گرفت (۴). قوانین به‌ویژه قوانین اقتصادی حتی اگر طوری تدوین و مصوب شود که با صراحت تمام تساوی حقوقی افراد در آنها لحاظ شود، بعضاً مورد سوء استفاده قرار می‌گیرد، چه رسد به نرخ ارز دولتی و طرح وام بانکی که تشخیص و تخصیص آنها بر عهده مدیران مؤسسات دولتی است.

امروزه اقشاری از جامعه با درآمد بسیار پایین چیزی را درو می‌کنند که دهه‌ها پیش برایشان کاشته‌اند. اگر دولت‌ها اجازه می‌دادند همین برنامه‌ها توسط کارشناسان به بحث گذاشته می‌شد و به نظر آنان توجه می‌شد، قطعاً قیمت ارز خارجی تا این اندازه بالا نمی‌رفت و بانکها نیز با مشکلات امروزی رو به‌رو نبودند. علاوه بر آن تولید کنندگان داخلی در بخش کشاورزی و صنعت توانایی لازم را برای رقابت با کالاهای وارداتی می‌داشتند و وضع بازار کار به صورت فعلی در نمی‌آمد.

با آنکه آقای مهندس موسوی را به دلیل تبعیضات بسیار بویژه در زمینه‌های اقتصادی و علمی و پژوهشی که در دولت ایشان رایج بود برای ریاست جمهوری قبول نداشتیم، در ۲۲ خرداد ۱۳۸۸ به ایشان رأی دادم تا آقای دکتر احمدی نژاد انتخاب نشود.

اما روشنفکرانها برای ایشان افسانه‌ها می‌ساختند از جمله آقای دکتر عباس میلانی او را مردی برای تمام فصول معرفی کرد و حتی از ازدواج ایشان با خانم رهنورد برای بت‌سازی ایشان استفاده می‌کرد (۵). در حالی که ازدواج آقای موسوی و خانم رهنورد در سال ۱۳۴۸ انجام شد و آن زمان هر دو از هنرمندان کمتر شناخته شده بودند. علاوه بر آن کارنامه اقتصادی دوران نخست وزیری آقای موسوی حتی از طرف آقای دکتر فرشاد مومنی مشاور اقتصادی ایشان در انتخابات سال ۱۳۸۸ مورد انتقاد بود (۳). ازدواج ایشان یک امر کاملاً خصوصی بود ولی کارنامه اقتصادی وی یک مسئله عمومی بود که کلیت جامعه و توان ملی را تحت تأثیر قرارداد که مورد توجه آقای دکتر میلانی قرار نگرفت.

ایران و مشکل روشنفکرانها

روشنفکر و روشنفکرانها

مهمترین وظیفه روشنفکر تاباندن نور اندیشه بر زوایای تاریک مشکلات و معضلات است تا توجه دیگران به این زوایای تاریک نیز جلب شود و عمیقتر بیندیشند. به عبارت دیگر مهمترین وظیفه روشنفکر توزیع غذای فکری در جامعه است. همین نکته می تواند تفاوت اساسی بین روشنفکر و روشنفکرانها را مشخص کند. واقعیت این است که زندگی هزینه دارد و مهمترین هزینه زندگی فکر کردن است. روشنفکرانها با طرح مسائل انحرافی انتظار دارند که مردم مشکل فکر کردن را به آنها یا افراد مورد تأیید آنها واگذار کنند. قهرمان سازیها و چاپلوسیها همه در این جهت است. در جامعه ای که فکر کردن رایج نباشد، جریان روشفکری نیز مانند نمایشی جذاب بخشی از تفریحات اجتماعی خواهد شد که بازیگرانش روشنفکرانها می شوند. اما روشنفکر به جای کسی فکر نمی کند، قهرمان سازی نمی کند، پیشنهاد می دهد که از زوایای دیگر نیز می توان به معضلات نگاه کرد. روشنفکر به مردم امید نمی دهد، این خود مردم هستند که باید روزنه ای امید خود را بیابند و مسئولیت پذیر شوند. کارکرد روشنفکر یک نوع ایجاد مشارکت فکری و تصمیم سازی جمعی برای پذیرش مسئولیت و پویا سازی وجدان جمعی است. زیرا وقتی جامعه دچار مشکل شود، یا خسارتی به کشور وارد شود، همه کم و بیش زیان خواهند دید. هیچ یک از مقامات قبلی و فعلی مسئولیت مشکلات امروزی را بر عهده نمی گیرد. زیرا مسئولیت پذیری در جامعه نهادینه نشده است. تا مردم مسئولیت پذیر نشوند، مقامات نیز مسئولیت پذیر نخواهد شد. نهادینه کردن مسئولیت پذیری بر عهده ای روشنفکران است. اما روشنفکرانها مانع این امر مهم هستند.

آقای دکتر عباس میلانی تاریخدانی مستند نویس است، بدون توجه و ارزیابی کارنامه دولت آقای مهندس موسوی، وی را مردی برای همه فصول می نامند. من واقعاً از حصر ایشان متأسفم و امیدوارم هرچه زودتر رفع حصر شوند. اما تأسف بیشتر و واقعی این است که جامعه ایران چهل سال است که در حصر رقابتی به سر می برد و هزینه اش را هم می پردازد (۶). چون رقابت سالم در کشور وجود ندارد، از رقابت های خارجی دور ماندیم و توان ملی تضعیف شده است.

روشنفکر الزاماً آینده نگر است

روشنفکر به گذشته به عنوان یک تجربه می نگرد، اما رویکرد اصلی اش ترسیم روشنی از آینده است. ما هرچه خردمند باشیم، نمی توانیم گذشته را تغییر دهیم، اما با خردورزی می توانیم در آینده تأثیر گذار باشیم و نقش روشنفکر، شفاف سازی مسائل و مشکلات است. برای شفاف سازی مشکلات نمی توان مشکلات پنهان را از نظر دور داشت. خودمحوری، تبعیض و چاپلوسی سه مشکل اساسی است که ریشه های تاریخی دارند. خودمحوری، تمرکز بر نیازها و اهداف شخصی است و نقش روشنفکرانها فروش و جایگزین کردن اهداف شخصی و گروهی به جای

ایران و مشکل روشنفکرانها

اهداف و نیازهای عمومی است. برای نیل به چنین هدفی راهی بجز تبعیض نیست و چاپلوسی و قهرمان‌سازی نوعی هموار کردن راه دشوار تبعیض و خودمحموری است. اما جریان روشنفکری با شفاف‌سازی زوایای تاریک رویدادهای تاریخی، نقش روشنفکرانها را در تبعیض برملا می‌کند و نشان می‌دهد چگونه چاپلوسان تلاش می‌کنند افکار عمومی را منحرف سازند. هتاک‌ی و افترا در شأن جریان روشنفکری نیست، علاوه بر آن، هتاک‌ی و افترا خود نوعی پرده‌ی ابهام بر روی مشکلات کشیدن است. اما هتاک‌ی و افترا از ابزار روشنفکرانها است. زمانی که این پرده‌ی ابهام کنار رفت و مشکلات به‌صورت بحران ظاهر شد، روشنفکرانها ضمن مبرا دانستن خود از هرگونه اشتباه و سوء مدیریت یارانشان، دیگران را مقصر جلوه می‌دهند و از ایراد هرگونه تهمت و ناسزا کوتاهی نمی‌کنند. اما جریان روشنفکری بنابر وظیفه تاریخی و انسانی خود باز هم به‌دنبال ریشه‌یابی مشکلات و روشن‌سازی افکار است.

دلایل دقیق باید و پر ز نور

نه بند دهان‌ها با فحش و زور

حسین جوادی

تهران، هفدهم دی ۱۳۹۷

۱ - ارزش جهانی پول ایران از ۳۰۰ سال پیش تا امروز، سایت تحلیلی خبری عصر ایران، ۹ فروردین ۱۳۹۱

۲ - نرخ دلار در ۴۰ سال گذشته، مدیریت فردا، ویرایش ۱۵ شهریور ۱۳۹۷

http://www.modiriatefarda.ir/index.php?option=com_content&view=article&id=۸۷&Itemid=۱۶۰

۳ - دنیای اقتصاد، دکتر فرشاد مومنی، سیاست‌های پولی و ارزی در دولت احتمالی موسوی، شانزده خرداد ۱۳۸۸

<http://donya-e-egtesad.com/news/۵۱۰۴۴۶>

۴ - سیاست‌های اقتصادی و پولی ایران تغییر کرد، سایت تاریخ ایرانی، به‌نقل از روزنامه اطلاعات ۳ دی ۱۳۵۸

<http://www.tarikhirani.ir/fa/events/۳/EventsList?Page=&Lang=fa&EventsId=۲۵&Action=EventsDetail>

۵ - نگاه عباس میلانی به میرحسین موسوی : او به‌زنی چون زهرا رهنورد دل باخت، کانون زنان ایرانی، ۲۸ بهمن ۱۳۸۸

<http://ir-women.com/۸۴۱۸>

۶ - حسین جوادی، در پاسخ به خانم فائزه هاشمی: پدر شما هم با همین ترازو می‌فروخت، سی ام مهرماه ۱۳۹۷

<http://gsjournal.net/Science-Journals/Research/۲۰/Papers-Political/۲۰/Sciences/Download/۷۴۹۸>

https://www.researchgate.net/publication/۳۲۸۴۶۱۶۰۳_dr_paskh_bh_khanm_fayzh_hashmy_pdr_shma_hm_b_a_hmyn_trazw_my_frwkht